

به وقت شکوفه‌های زرد آلو

جینا ویلکینسون

فیروزه مهرزاد

www.ketab.ir

این کتاب برگردانی از:

When the apricots bloom

سرشناسنامه	: ویلکینسون، جینا، ۱۹۷۰-م. Wilkinson, Gina, 1970
عنوان و نام پدیدآور	: به وقت شکوفه‌های زردآلو / جینا ویلکینسون؛ مترجم فیروزه مهرزاد
مشخصات نشر	: تهران: آریابان،
مشخصات ظاهری	: ۳۹۹ ص.
شابک	: ۷۷ - ۷۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: when the apricots bloom: a novel, 2021
موضوع	: داستان‌های نیوزلندی - قرن ۲۱ م. New Zealand fiction - 21st century:
شناسه افزوده	: مهرزاد، فیروزه، ۱۳۵۳ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: PR ۸۶۳۹/۴
رده‌بندی دیویی	: ۸۲۳/۹۲:
شماره کاتالانسی ملی	: ۹۱۸۴۵۱۷:



انتشارات آریابان

به وقت شکوفه‌های زردآلو جینا ویلکینسون فیروزه مهرزاد

شابک: ۷۷ - ۷۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

امور هنری: آریابان گرافیک

چاپ: اول تیرماه ۱۴۰۲ تیراژ: ۳۰۰ نسخه

تهران - خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - بن‌بست مبین - شماره ۸

تلفن: ۶۶۴۹۶۲۸۴ - ۶۶۴۱۳۰۳۱

نمابر: ۶۶۴۹۶۲۸۵

www.aryaban.org

بهاء ۳۲۰۰۰۰ تومان

یادداشت نویسنده:

رمان به وقت شکوفه‌های زردآلو تخیلی است، اما از تجربیات زندگی واقعی‌ام در عراق تحت حکومت صدام حسین و سپس در طی جنگ عراق الهام گرفته شده است. وقتی وارد بغداد شدم سی و یک سال داشتم. مانند شخصیت الای این کتاب، ناگهان از یک روزنامه‌نگار و متخصص در حرفه‌ام به «تحت تفکک همسر» تغییر یافتم، عنوانی نامطلوب در ویزای همسران دیپلمات‌ها و کارکنان سازمان ملل. همانند این رمان، من هم رابطه نزدیکی با زنی همانند هدا داشتم - منشی‌ای خبرچین که گزارش‌هایی که می‌رفتم، چیزهایی که می‌دیدم و افرادی را که صحبت کردم به رژیم می‌داد.

با سقوط رژیم حقیقت برملا شد. زنی را که اغلب خودش را خواهر عراقی‌ام می‌نامید سرزنش نکردم. درک کردم که با وجود سازمان اطلاعات عراق هیچ انتخابی برایش وجود نداشت. آن زمان، من دیگر همان آدم ساده ابتدای سفرم به بغداد نبودم.

همان‌طور که در خاطرات سال ۲۰۰۷ خودم شرح دادم، محل کار پیشینم در اثر یک بمب‌گذاری انتحاری نابود شده است. من دوست عزیزی را دفن کردم، از تجاوز جنسی جان سالم به در بردم و یاد گرفتم تحت شرایط سخت، حتی افراد خوب هم ممکن است انتخاب‌های بدی داشته باشند.

از آن‌جا که استبداد رژیم صدام جایگزین هرج و مرج جنگ شد، واضح

بود بهترین نیت ممکن بود به طرز وحشتناکی غلط از آب درآید.

بیش از ده سال بعد، من هنوز درگیر تمام اتفاقاتی هستم که در عراق اتفاق افتاده بود. تا حدی به علت اختلال استرس پس از حادثه است. اما نمی‌توانستم از این فکر دست بردارم، آیا رابطه ما برای خواهر عراقی‌ام فقط یک شغل بود؟

آیا ما به سادگی مأمور اطلاعاتی و هدف بودیم؟ یا دوست هم بودیم؟ گاهی زندگی واقعی به همان اندازه داستان پیچیده است. انگیزه‌ها پیچیده می‌شوند، مرزها از بین می‌روند و دوباره ترسیم می‌گردند. وقتی کارم را بر روی این رمان شروع کردم، درباره حقیقت، وفاداری، و دوستی بررسی کردم، سؤالاتی که در بغداد بدون جواب باقی مانده بود.

در حالی که این تجربه الهام بخشم در نقطه شروع به وقت شکوفه‌های زردآلو بود و خیلی از جزئیات کوچک مستقیم از دل واقعیت بیرون آمدند، وقایع داستان تخیلی است. من الای نیستم. هانا و نیز رانیا وجود خارجی ندارند. با این حال، نهایت تلاشم را کردم تا تصویر دقیقی از زندگی در دوران حکومت صدام حسین به تصویر بکشم.

به طور کلی، متوجه شده‌ام در حالی که شاید هر کدام از ما به نحو خاصی دعا کنیم، نان‌مان را به صورت لواش یا طور دیگری پخت کنیم، در قلب‌هایمان همه خواستار موارد مشابهی هستیم - امنیت، صلح، عشق. وجه اشتراک ما بسیار بیش‌تر از آن چیزهایی است که ما را از هم جدا می‌کند. امیدوارم این موضوع‌ها را در این کتاب به خوبی نشان داده باشم.